

گفتگوی پارلمانی

میان ایران و امریکا

آیا ممکن و عملی است؟

احمد هدایتی

آقای اعلیٰ نماینده تبریز در مجلس هفتم، در مصاحبه ای که با خبرگزاری کارگری "ایلنا" انجام داده، از پیشنهادی سخن گفته است، که امروز و در شرایط بحرانی که کشور در آن قرار گرفته معنای دیگری پیدا می کند. این پیشنهاد در مجلس ششم و توسط نمایندگان اصلاح طلب نیز طرح شد، اما آن زمان با یورش تبلیغاتی جناح راست روبرو شد و حاکمیتی که امروز قدرت را یکپارچه در اختیار دارد، اجازه و امکان شنیدن استدلال های آن پیشنهاد را نیز نداد. اما امروز که شرایط در کشور به گونه ای متفاوت و البته موقعیت سیاسی و اقتصادی ضعیف تر از آن دوران است، حداقل با این پیشنهاد مواجهه تبلیغاتی نشده است!

اعلیٰ می گوید: «امریکا مانند بوفالوی قدرتمندی است که اغلب شاخ خود را به ملت ایران نشان داده است، در حالی که این بوفالو شیر هم دارد و گاهی به طور ناخواسته ما را از شیر خود هم بهره مند ساخته است.»

منطق با صحبت های فوق چندان سر سازش ندارد. به گواهی تاریخ ۲۰۰ ساله این بوفالوی قدرتمند، -ایالات متحد امریکا- به استثنای مورد بسیار نادر بزرگترین سیستم اقتصادی خون آشام تاریخ بشر بوده است:

- نسل کشی و قتل عام بومیان سرخ پوست امریکا، هنوز بصورت سرکوب اجتماعی بومیان این قاره ادامه دارد.

- بردگی سیاه پوستان، که از دوران استعماری کشور های استعمارگر انگلیس، پرتغال، اسپانیا و... به یاد مانده، همچنان در امریکا، بصورت سیاست نژاد پرستانه نسبت به سیاه پوستان و سازمان دهی گروه ها و تشکل های بنام کولس کلان ها و لینچ کردن (مثله کردن) سیاه پوستان ادامه دارد.

- قتل و غارت و استعمار تمام و کمال بیش از ۵۰ کشور امریکای لاتین - امریکای مرکزی و امریکای جنوبی- در مدت ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال اخیر، نمونه های تاریخی است. لولا داسیلوا رئیس جمهوری برزیل می گوید: «بیش از ۴۳ درصد جمعیت ۱۸۰ میلیون نفری برزیل در شبانه روز يك وعده غذای سیر ندارند که بخورند.»

- بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، که جزء جنایت کارترین جنایات تاریخ بشر است.

- جنگ ۲۰ ساله امریکا در ویتنام که بمب مصرفی در این جنگ بیش از تمام بمب هایی است که در جنگ جهانی دوم استفاده شد.

- جنگ امریکا و ناتو در افغانستان و عراق و تهدید قلدر مآبانه ایران و کره شمالی.

- جنگ ایدز که تا کنون حدود ۴۵ میلیون نفر به آن مبتلا شده اند و نیمی از این تعداد با زجر و شکنجه وحشتناک فوت کرده اند.

اعلیٰ می گوید: «مطمئناً خصومت شیوخ کشور های کوچک منطقه - متناسب با ظرفیتی که دارند- علیه ایران، اگر بیش از امریکا نباشد، کمتر از آن نیست. اما ایران همواره خریدار ناز این شیوخ بوده و به کرشمه های آنها با لبخند پاسخ داده است.»

ایشان فراموش کرده و یا می خواهد ما فراموش کنیم که رهبری و سازمانده این شیاطین کوچک - شیوخ خلیج فارس، برعهده امریکاست.

اعلیٰ می گوید: «ادبیات تحقیر آمیز و همراه با تهدید جرج بوش علیه ایران، نتایج مثبت اقدام او در سر نگونی صدام و طالبان را تحت الشعاع قرار داده است»

این توجیه تبلیغاتی اشغال عراق که در جمهوری اسلامی از همان ابتدای سقوط صدام حسین در عراق باب شده، بتدریج می رود تا گریبان خود ما را هم بگیرد. یعنی فردا کسانی پیدا شوند و عمل امریکا در حمله به ایران را زیر شعار "کمک امریکا به سقوط رژیم جمهوری اسلامی" توجیه کنند. در اینصورت است که باید به آقایان مروج این تبلیغات گمراه کننده و مسموم گفت "از شماست که بر شماست!" این چه حرف پوچی است که از امریکا باید ممنون بود که آمده و صدام حسین را سرنگون کرده و لابد فقط اشتباه کرده که بعد از این دخالت و تصرف عراق، قدرت را در سینی نقره ای تقدیم جمهوری اسلامی نکرده و به واشنگتن عقب نشینی نکرده است.

بنابراین، به آقای اعلی نیز باید توصیه کرد که از این لالائی ها در توجیه ضرورت مذاکرات مستقیم با امریکا زیر گوش ملت نخوانید که ویرانگر است. پیشنهاد مذاکره نیازی به توجیه ندارد. همچنان که محکوم کردن اشغال عراق نیازمند توجیه امریکا به بهانه سرنگون کردن صدام حسین ندارد. صدام حسین را باید مردم این کشور از قدرت پائین می کشیدند و دیدیم که نتیجه این ناتوانی مردم به قیمت اشغال کشورشان تمام شد. سرود یاد مستان لس آنجلسی ندهید! اگر منطقی در پیشنهاد ضرورت گفتگوی نمایندگان دو پارلمان امریکا و ایران وجود دارد آن را بی دلهره و پیچاندن در زورق حوادث عراق بیان کنید و جسارت دفاع از نظرات خود را هم داشته باشید. اگر هم ندارید و می ترسید، دهان ننگشاید که گشودن دهان از اینگونه که شما گشوده اید، همان بسته بهتر!

ایشان می خواهد بگوید به نفع مردم ایران نیست که با شاخ بوفالوی امریکا در افتند. این سخن به آن دلیل که خطابش باید حکومت و مجلسیان باشد که سیاست کنونی را پیش می برند، به خود ایشان بر می گردد، اما ایشان نمی گوید که بهترین راه مقابله با امریکا، علاوه از پرهیز از سیاست های جنگی، تحکیم وحدت داخلی برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری، فقر، اعتیاد و... است.

بدست گرفتن ابتکار عمل بوسیله پارلمان های ایران و امریکا برای جلوگیری از فاجعه ای که گفته می شود و پیش بینی می شود، در صورت حمله به ایران روی خواهد داد، می تواند دریچه ای شود برای جلوگیری از فاجعه و به همین جهت نیز در این شرایط پیشنهاد امثال اعلی ارزش و اعتبار ویژه دارد، اما هم ایشان و هم خوانندگان و شنوندگان این سخنان می دانند که این پیشنهاد تا از یک پشتوانه ملی برخوردار نشود عملی نخواهد شد و دریچه ای را نخواهد گشود. این حمایت ملی نیز زمانی امکان پذیر است که مردم بدانند در پشت صحنه چه می گذرد، نه آنکه تمام روزنه های اطلاعاتی و خبری آنها بسته شود و رسانه های خبری - تبلیغی حکومت شبانه روز حرف های یک سویه و گمراه کننده را به مردم تزریق کنند. بنابراین مفید تر است، در ابتدا امثال آقای اعلی از اینجا آغاز کنند که "به مردم حقیقت را بگوئید"